

پزشکی و بهداشت

در

ایران باستان

۱- پزشکی

علم طب از علوم بسیار باستانیست و قدمت آن تا بزمان پیدایش بشر میرسد اولین باریکه بشر خود را گرفتار درد و ناخوشی دید در صدد چاره جویی برآمد و کوشید تا بوسیله ای سلامتی خود را دوباره بدست آورد و از همان زمان پایه این علم نهاده شد. بنا بر آنکه هدف و مقصود طب از نخستین روز پیدایش تاکنون یکی است ولی روش مداوا و طرز معالجه در هر عصر و زمانی متفاوت بود، و این علم مراحل بسیار شیرینی را پیموده که تاریخ آن شاید از هر رشته دیگر علوم داکتر تر باشد.

اولین طرز مداوا و نخستین پزشکان

چنانکه اکنون هم در بسیاری از نقاط روستایی مشاهده میشود بوسیله خواندن اوراد بعمل می آمده زیرا مرض در نظر بشر اولیه در نتیجه اذیت و آزار نوعی از ارواح خبیثه بوده که در تن آدمی جا بگزین میشده و بیرون رفتنش آنها بوسیله قسم دادن و تهدید نمودن و خواندن اوراد عملی میگشته که اغلب با زدن طبل و رقصیدن دور مریض و گاهی نیز با حرکات عجیب و فریادهای گوش خراش همراه بود.

نخستین پزشکان جهان جادوگران و جن گیرانی بوده اند که شهرت تسخیر ارواح را داشته، علاوه بر شغل پزشکی عهده دار ریاست دینی جامعه خود نیز بوده اند.

قدمت طب در ایران

در بین ایرانیان عقیده بارواح و جادو و جادوان و پریان و خواندن دعا و طلسم متداول بوده حتی تا امروز هم معمولست با وجود این بنا بر نوشتهجات اوستا کشف نباتات طبی و درک خواص گیاهان درمان بخش از زمان بسیار دیرین در ایران شروع شده و نخستین پزشک ایرانی که امراض را بوسیله گیاه و عمل جراحی معالجه میکرد فریدون پورآبتین بود.

بدین طریق که هور مزد نخستین بار فریدون را از خواص گیاهان درمانبخش آگاه ساخت و کاردی مرصع باو بخشیده شد که با آن عمل جراحی را انجام میداد و او بسیاری از بیماریها را ساخت و از خواص گیاهان نباتات با خبر بود. صاحب ناسخ التواریخ نیز مینویسد که فریدون در علم طب و نجوم سرآمد اعیان بود و طبیبانرا نیکو میداشت. علاوه بر فریدون اوستا چند نفر دیگر از پزشکان معروف ایران باستان را نیز بما معرفی میکند که که ذکر نام آنها خالی از اهمیت نیست، از جمله، یشت بیستم؛ هوم را پزشک بزرگی معرفی میکند که کاشف گیاه معزوف و مقدسی بوده که بنام خود او معروف است، در تمام این یشت از خواص گوناگون فشرده این گیاه صحبت بمیان است و در همه جا نام هوم با کلمه پزشک همراه میباشد.

شاهنامه هوم را عابدی میداند که در زمان کیخسرو

امراض یا اوقات دیگر مردمان را از قوانین بهداشت آگاه میساختند تا از سرایت امراض و تلفات جلوگیری شود و تعداد زیادی از این قوانین و طرز جلوگیری از سرایت امراض در کتاب وندیداد مندرج است و ما را بخوبی متوجه اهمیت بهداشت و توسعه طب در ایران باستان مینماید.

۳ - « کر تو ییشه زه » Caretu-Bishaza یا **کارد پزشك** (جراحان)

۴ - « ارور و ییشه زه » Orvaru-Bishaza یا **ارور پزشك** بزشگانی بودند که از خواص نباتات طبی مطلع بوده و بوسیله آن بیماران را مداوا میکردند.

۵ - « مانتر و ییشه زه » montru-Bishaza یا **مانسر پزشك** - بزشگانی بودند که بوسیله قرائت اوراد و دمیدن آیات مقدسه امراض را معالجه میکردند و دلایل تاثیر اینگونه اوراد در وجود آدمی را روان شناسان بطور تفصیل بیان کرده اند. ناگفته نماند که طبقه اخیر بزشگان دوره اوستائی بطور حتم از موبدان و پیشوایان مذهب بوده اند.

در وندیداد برگرد ۲۰ آمده که اهورا مزدا ده ها هزار گیاهان درمانبخش را برای سود بشر بیافرید و آب را خاصیت شفا دهندگی بخشید، نامه های اوستا جمعا از سی و پنج نوع بیماری سخن رانده و بکابك

را نام مینویسد

دینکرد جلد ۴ . اوراد امراض را ۳، ۳، ۳

دینکرد در صورتیکه تنها از ۹ نوع آن سخن میراند.

پزشکان بدون جواز حق معالجه نداشتند:

دینکرد جلد ۱۶ صحبت از نامه های اوستائی میکند که امروز مفقود است و میگوید در آنها قوانین صریح و روش خاصی راجع بطرز آزمایش بزشگان و امتحان درجه مهارت آنان در امر معالجه مندرج است باز همین کتاب مینویسد که هیچیک از بزشگان حق نداشتند بدون گذراندن این امتحان و تحصیل جواز پزشکی بشغل طبابت پردازند - بزشك جراح تنها وقتی میتواند بکنفر ایرانی را عمل کند که سه دفعه با موفقیت همان عمل را بر بدن غیر ایرانی انجام داده باشد اگر در این آزمایش بزشك در دفعه اول توفیق حاصل نمیکرد فرصت دوم باو داده میشد و هرگاه

در کوهی مسکنت داشته و چون افراسیاب سیاوش را بکشت و از بیم تعقیب کیخسرو بکوه پناه برد هوم افراسیاب را دیده بشناخت و او را گرفته بر او بند نهاد و بکیخسرو سپرد. یکی دیگر از بزشگان معروف اوستائی سینای حکیم پور اهوم ستوت Ahum-Stut است که پیوسته صد شاگرد در محضر درسش حاضر میشدند و در حکمت و دانش بد طولانی داشته است بعداً در افسانه های ملی و شاهنامه همین سینای حکیم بهیکل مرغ معروف سیمرغ در آمد و زخمهای رسنم را در جنگ با اسفندیار معالجه کرد و بالاخره بدستور اورستم توانست بر دشمن خود پیروز گردد فریدالدین عطار در منطق الطیر خود سیمرغ را دانشمند و بزشکی بزرگ دانسته مینویسد او بشاگردان خود طب و حکمت و فلسفه میآموخت و هیچگاه از صورت پرنده خارج نمیشد.

عمل جراحی در ایران باستان: قدیم ترین اطلاعاتی که از عمل جراحی در ایران بوسیله تواریخ باستان بخصوص شاهنامه بما رسیده است عملی بوده که در هنگام زائیده شدن رستم پهلوان معروف نسبت به مادرش رودابه انجام یافته فرودوسی در این باره میفرماید:

بیامد بکی موبد چیره دست

مران ماهرخ را بمی کرد مست

بکافید بی رنج بهاوی ماه

بتابید مره بچه را سر از راه

چنان بی گزندش برون آورید

که کس در جهان این شکفتی ندید

در شاهنامه هم چنان از نوش دارو و زخم بندی و بغیه زدن زخمهای عمیق خنجر و نیز و شمشیر زیاد سخن رفته.

اردیبهشت پشت بزشگان ایران را به پنج طبقه تقسیم کرده و بنا بر درجه اهمیت، هر طبقه را قرار زیر نام میبرد.

۱ - اشو ییشه زه Ashu-Bishaza یا **اشو**

پزشك، بزشگانی بودند که کارشان شستشوی زخم، ضد عفونی کردن آن و زخم بندی بوده.

۲ - « داتو ییشه زه » Datu-Bishaza یا **داد**

پزشك - بزشگانی بودند که در هنگام شیوع

بزشگان باید خوب و کافی بوده هر يك دارای اقلا يك اسب تندرو باشند تا در هر هنگام بتوانند بعیادت بیماران دور و نزدیک بشتابند بزشگان باید پیوسته بمقدار کافی داروهای لازم و ابزار جراحی کامل در دسترس داشته باشند .

وظایف یکنفر پزشك - جلد چهارم دینکرد
 « پزشك خوب و محترم کسی است که تنها معالجه را برای بهبودی حال مریض انجام دهد نه برای خاطر مزد . پزشك آزمندی که پیوسته میزان مزد خویش را در نظر دارد احترام بزشگی و آبروی خود را باندک وجهی خواهد فروخت . وظایف پزشك با وجدان آنستکه بیماران خود را هر روز در ساعت معین با دقت لازم معاينه کند و با کمال دقت مراقب تاثیرات دواهایی که تجویز کرده است باشد اگر تعویض دوا لازم افتد بدون فوت وقت بآن اقدام کند . پزشك باید با ناخوشی و بیماری چون دشمن خویش بیکار کند . پزشك باید نيك آموخته و در فن خود مهارت کامل داشته باشد ، از خواص دواها بخوبی آگاه بوده و پیوسته در بی اکمال تحصیل و تجربیات خود باشد . شکایات مریض را با کمال حوصله و دقت گوش کند و در درشناسی استاد باشد .

بزشك باید شیرین زبان و نجیب و صبور و خدا ترس و قانع و فروتن باشد از اجزاء و اندام تن اطلاع کامل داشته و وظایف هر يك را بخوبی بداند و هرگز برای تحصیل مزد بیشتر دوره مرض را طولانی نرساند (دینکرد جلد ۱۶ صفحه ۲۲) .

بزشگان ایرانی حق داشتند بیماران غیر ایرانی را معالجه کنند ولی تحصیل جواز بزشگی برای بزشگان غیر ایرانی با اشکالات زیادی مواجه میشد .

برای دفعه دوم و سوم نیز مریض غیر ایرانی بهبودی حاصل نمیکرد دیگر حق نداشت اقدام بعمل کند (وندیداد برگرد ۷ فقرات ۴۰ - ۳۶)

میزان مزد پزشك: سازمان بزشگی در ایران باستان بسیار منظم و عموم بزشگان مجبور بودند قوانین و دستورات واحدی را که گویا از طرف تشکیلاتی شبیه بوزارت بهداشتی صادر میشد اطاعت کنند یکی از این قوانین طبق وندیداد برگرد ۷ در خصوص میزان مزدی است که بزشگان میبایست در مقابل معالجه هر يك از طبقات مردم دریافت دارند .

۱ - مزد پزشك در معالجه پیشوایان دین و علما و آموزگاران کشور تنها دعای خیر آنان بود .
 ۲ - مزد پزشك در معالجه پادشاه و افراد خانواده سلطنتی درشكه چهار اسبه یا قیمت آن پیسول رایج بود .

۳ - مزد پزشك در معالجه روسای بزرگ لشکر و استانداران يك اسب یا قیمت آن بود .

۴ - مزد پزشك در معالجه فرمانداران و تجار معروف شهر يك شتر یا قیمت آن بود .

۵ - مزد پزشك در معالجه افراد خانواده نروتمند يك الاغ یا قیمت آن بود .

۶ - مزد پزشك در معالجه افراد خانواده کشاورز يك گوسفند یا قیمت آن بود .

خانواده فقیر از هر طبقه برایگان معالجه میشدند (دینکرد جلد ۱۶ ص ۳۴) طبق همین کتاب مردم موظف بودند حق المعالجه پزشك را بنا بر توانایی خود طبق دستور بالا بپردازند تا آنان نیز بتوانند وسایل زندگی خود را به آسودگی فراهم کرده و با خیال آسوده پیشه خود مشغول باشند باز در صفحه ۲۳۰ دینکرد جلد چهارم آمده است خوراك و لباس

۲- بهداشت

میکرفتند یعنی تامدت معینی که کمتر از ۹ شبانه روز نبود از آمیزش با دیگران حتی با افراد خانواده اجتناب میکردند ، از ظرف جداگانه آشام و خوراك صرف مینمودند ، در بستر جداگانه ای سفید میخوابیدند ، لباس خواب و خوراكشان متفاوت و از پارچه ای سفید

بزشگی که بمعالجه امراض مشغول بوده نباید بدون مراعات نکات لازمه بهداشت با دیگران آمیزش کند زیرا خود وسیله انتقال امراض خواهد شد (دینکرد جلد ۱۶ صفحه ۳۴) ایرانیان باستان در مواقع شیوع امراض عفونی و واگیر دار برشنونم Barshnum

بود، کمتر از سه قدم فاصله با کسی صحبت نمیکردند
دقت کامل در پاکیزگی تن و جامه و خوراک از فرایض
اوقات پرشوم بود.

علاوه بر این طبق مندرجات و ندیداد کسانیکه
مرده را به آرامگاه میبردند یا دست بلاشه حیوانات
میزنند باید پرشوم گیرند و تن و جامه خود را خوب
بشویند و پیش از این شستشو با دیگران نیامیزند و
از ظروف جدا گانه خوراک مصرف کنند.
در آئین زرنشتی لب زدن بظرف آب با خوراک
دیگران گناه شناخته میشود.

**پیش بینی های لازم برای
جلوگیری از امراض**

چون آب و هوا و خاک از وسایل
سرایت امراض بودند
وظیفه تمام ایرانیان باستانی بود که چهار آخشیک را
پاك و مقدس بدارند، در اوستا نسبت باین امر مخصوصا
پاك داشتن آب بسیار تاکید شده است منجمله در اوستای
گواه (اندرزی است که در موقع عقد ازدواج برای
زن و شوهر قرائت میشود) چنین آمده است
« . . . آب که شوه خرمی و آناکانی است هر
آئین پاك دارید، پلبیدی و نسا اندر آب میفکنید، تن
و جامه در آب روان مشوئید . . . »

هرودت و سایر مورخین باستان پیروی این
دستورهای اوستائی را بطور کاملی در بین ایرانیان
باستان تایید کرده می نویسند که ایرانیان در آب روان
تف نمی اندازند، بول نمیکنند، کثافت نمی ریزند و
اگر دیگری هم خواست مرتکب این اعمال شود مانع
میشوند. در جلد ۹ دینکرد صفحه ۶۳۴ مسطور است
« . . . پاکیزه داشتن آب و وظیفه هر خدا پرستی است،
آب ناپاك را نباید برای خوردن و شستشوی بدن بکار
برد . . . » و ندیداد برای کسیکه مرده انسان یا لاشه
حیوانات را در آب رودخانه یا دریاچه یا استخری
بیند و آنرا بر نگردد پاداش سخت قائل است.

دینکرد رعایت بهداشت آب و محصولات کشاورزی
را وظیفه مهم دولت دانسته و از بین بردن هر چیزی
که سبب بیماری و ناخوشی مردم میشود از وظایف
حکمرانان می شمارد.

مختصر ایرانیان باستان پاکیزگی و بهداشت

را اولین شرط پارسائی و خدا پرستی میدانستند
گندزدائی و پلشت ببری:
آب: اوستا، نور افتاب را بزرگترین دشمن و
بر طرف کننده بیماری و ناپاکی می شناسد، در خورشید
بشت آمده است.

هنگامیکه خورشید می تابد آب جاری پاك میشود
آب چاهها پاك میشود، آب دریاها پاك میشود، آب
راكد پاك میشود و تمام موجودات روی زمین پاك
میشوند چنانچه خورشید نمیدرخشید هر آینه تمام هفت
کشور زمین دچار نابودی و نیستی میشدند.

و ندیداد دستور میدهد که هر چیز آلوده و پلبید را
باید برای پاك شدن مدت معینی در معرض نور آفتاب
قرار داد.

بنا بدستور دیگر د شخص نه فقط باید از آلوده
ساختن آب خود داری کند بلکه موظف است در صد
رفع هر گونه پلبیدی که توسط دیگران در آب افکنده
شده است نیز بر آید.

کسیکه در آب جاری لاشه یا نسائی را مشاهده کند
اگر بیون برگرفتن آن از آب بگذرد مستحق مجازات
است زیرا هر گونه آزاریکه از آن لاشه ب مردم رسد
چنان است که از آن شخص رسیده باشد. شخص بمحض
دیدن نسائی در آب روان باید فوراً با آب داخل شده
نساء را بدست گیرد و باهستگی آنرا از آب برگرفته
دور از نهر یا جوی بر زمین خشکی در معرض افتاب
قرار دهد. آب را کدی که بنساء آلوده شده باشد برای
مصرف خوراک یا شستشوی بدن نا شایسته است.

شخصیکه نسائی را از آب بر میگیرد موظف است
کاملاً خارج از جوی آب پاك کند.

ظروف: ظروفیکه در معرض تماس مریض یا
مرده یا لاشه ای قرار گرفته باشد باید بقرار زیر پاك
نمود (بنا بر مندرجات و ندیداد برگرد ۷ آیات
۷۳ - ۷۵)

۱ - اگر ظرف زرین باشد باید آنرا بکمرتبه یا
خاك و بکمرتبه با آب شسته بگروزد در معرض نور
آفتاب قرار داد.

۲ - اگر ظرف سیمین باشد باید آنرا دو مرتبه با
خاك و دو مرتبه با آب شسته ۲ روز در معرض نور
افتاب قرار داد.

خوانندگان ما چه میگویند!

بحکم قرعه شش ماه نامه پشوتن بآدرس ایشان فرستاده خواهد شد با وجود آنکه در نشریه جشن سده و شماره اول در فروردین ماه از خوانندگان عزیز تقاضا کرده بودیم که نظریات خود را درباره مجله برای ما بنویسند هنوز نامه ای که بادلوسوزی از ما تنقید کرده باشد نرسیده ولی نامه های بسیاری از اشخاص و موسسات مختلف رسیده است، اغلب این نامه ها روش ما را ستوده و موفقیت ما را در انجام خدمت اجتماعی و فرهنگی خواستار شده اند.

با اظهار تشکر از آن اشخاص و موسسات لازم است مندرک شویم، همانگونه که بارها نوشته ایم خیلی خوشوقت خواهیم شد که بینیم دوستان و طرفدان برای کمک و مساعدت جهت رسیدن به هدف غامی از تند کر تقیصه های قابل احترام خود داری نفرمایند.

نامه پشوتن به خوانندگان عزیز که مشکلات اجتماعی خود و نکات مبهم تاریخی را از ما بخواهند پاسخ خواهد داد.

پاسخهای فراوانی در خصوص مسابقه «تمدن ایران باستان بیشتر مدیون کیست» رسیده است موعده این مسابقه تا آخر فروردین ماه بود - نتیجه مسابقه در شماره خرداد ماه با اطلاع خوانندگان عزیز خواهد رسید.

آزمایش دقت: جواب های متعددی در باره مسابقه فوق رسیده است متأسفانه اغلب پاسخ ها صحیح نبوده و بیشتر شرکت کنندگان تصور نموده اند که غلط چاپی بوده است - در میان کسانی که جواب صحیح ارسال داشته اند دو شیزه ف: مهموز که نوشته بودند «عقیده علمائی که میگویند قبل از اسلام ایرانیان سفره نوروزی را با هفت شین چون شمع، شراب، شربت و غیره میآراستند و بعدا بعلت وجود شراب هفت شین به هفت سین تبدیل شد صحیح نیست زیرا شمع و شربت بخصوص شراب که بآن استناد شده کلمات عربی هستند و قبل از اسلام مصطلح نبوده اند.

پلشت بری غلات:

برای پلشت بری غلات باید قسمت معینی را بنابر خشکی با تری نساء طبق دستور مفصل برگرد ۷ و دیداد فقرات ۳۲ - ۳۵ از آن برگرفته بقیه را با پاشیدن قطرات آب پاك نموده خشک کنید و سپس بکار برد.

پاك شدن شخص آلوده بنساء (پلیدی)

شخصی که بنساء و پلیدی آلوده شده باشد بر ضد سلامتی و تندرستی بشر مضر است. طبق برگرد ۹ حتی خورشید و ماه و ستارگان نیز از تابیدن بر او عار دارند چنین کسی باید با سرعت و وقت تن و جامه خود را بشوید و پاك کند. قبل از پاك شدن حق ندارد با مردم آمیزش کند، از ظرف کسی خوراك خورد یا دست بدیگران زند. شخصیکه وسایل پاك شدن چنین کسی را فراهم کند اجر بزرگ روحانی داشته جمیع موجودات از عمل سودمندش شاد خواهند شد. کسیکه منبع و سرچشمه ناپاکی و پلیدی را زائل کند در فردوس برین جای خواهد داشت.

کسیکه خود را پس از تماس با مرده یا لاشه یا پلیدی دیگر پاك نکند حامل ناخوشی و مرگ و نابودی بشهر و کشور است (و دیداد برگرد ۹ فقرات ۵۷ - ۲۹)

رستم شهزادی

۳ - اگر ظرف مسین یا آهنین یا فولادین یا با سایر فلزات ساخته شده باشد باید ۳ مرتبه طبق دستور بالا شسته ۳ روز در آفتاب قرار داد.

۴ - اگر ظرف سفالین، چوبین یا گلین باشد پاك شدنی نبوده باید آنرا از بین برد.

البسه و روکش رختخواب مریض مرده قابل استعمال نبوده باید نابود شود و هرگاه کسی آنرا بدیگری بفروشد سزاوار کفر است. تنها البسه مرده ای که مریض نبوده یا مریضی که ندرده است را میتوان پس از شستشو بکار برد.

(و دیداد برگرد ۷ فقرات ۱۰ - ۱۲)

البسه آغشته بخون یا قی و اسهال شخص متوفی را باید در زمین دفن نموده و لباسهای دیگر او را پس از شستشو و ضد عفونی میتوان استعمال کرد.

طرز ضد عفونی نمودن البسه مختلف:

۱ - اگر لباس از چرم باشد باید ۳ مرتبه متناوباً آنرا شسته و در آفتاب خشک نموده و پس از آن مدت ۳ ماه در معرض هوا و نور آفتاب قرار داد.

۲ - البسه بافته و یا پس از ۶ مرتبه شستشو و در آفتاب خشک نمودن و قرار دادن ۶ ماه در معرض هوا و نور آفتاب میتوان بکار برد.